نحوه‌ی ترسیم نواحی بیس (Base)
با استفاده از الگوهای Engulfing، Piercing و Harami

۱۳۹۹-۱۴۰۰

نحوه‌ی ترسیم نواحی بیس (Base) با استفاده از الگوهای Engulfing، Piercing و Harami

از درس‌های گذشته مطالبی را درمورد دره‌ها، قله‌ها (extremes) و همچنین الگوهای ادامه‌دهنده (CPs) آموخته‌اید. همه‌ی این ساختارها (دره‌ها، قله‌ها و الگوهای ادامه‌دهنده) در نتیجه‌ی حرکت قیمت بوجود می‌آیند اساس و حرکات قیمتیِ مشترکی دارند. بعلاوه نکته بسیار مهم این است که الگوهای کندلی را با الگوهای ادامه‌دهنده اشتباه نگیرید . الگوهای اولی ساختار حرکات قیمت ژاپنی و بعدی یک اصطلاح است که بیشتر در استراتژی عرضه و تقاضا استفاده میشود. الگوهای ادامه‌دهنده نیز دراصل از الگوهای شمعی ژاپنی تشکیل شده‌اند، درواقع اگر از چارت کندل‌استیکی استفاده می کنید (بدانید) همه‌ی ساختارهای قیمت به نوعی از همین الگوهای شمعی ساخته شده‌اند.

در وهله‌ی اول، تعریف ما از بیس چیست؟ البته باید توجه داشته باشید که بیس‌ها همیشه آن‌گونه که در کتاب‌ها نشان داده می‌شوند به‌نظر نمی‌رسند، در زیر ویژگی‌هایی که باید برای تعیین بیس‌ها (توقف‌های قیمت) به دنبال آن‌ها باشیم بیان شده است:

یک بیس تشکیل شده از:

۱. فقط یک کندل ۵۰ درصد[۱].
۲. حداکثر ۶ کندل ۵۰ درصد (نه بیشتر).
۳. یک کندل مارابوزو[۲] (یک شکل خیلی کمیاب، یک بیس (tight) بدون سایه یا تقریبا بدون سایه). کندل‌های مارابوزو اشکال مختلف کمی دارند، مارابوزوهای سیاه و سفید بسیار بزرگ هستند. اما ما برای تعیین بیس‌ها فقط مارابوزوهای کوچک را در نظر می‌گیریم.
۴. مجموعه‌ای از کندل‌های ۵۰ درصد و کندل‌های غیره۵۰ درصد.

دیستال لاین و پروکسیمال لاین چیست؟

یک محدوده عرضه و تقاضا، فقط یک قیمت/خط تنها نیست (مانند حمایت و مقاومت کلاسیک)، بلکه ناحیه ای به طول چند پیپ است. خط بالایی مستطیل (مستطیلی که ناحیه عرضه یا تقاضا را مشخص می‌کند) دیستال لاین نام دارد، که به نوعی بالاترین قیمت در این ناحیه نیز هست. و خط پایینی این مستطیل نیز پروکسیمال لاین است، که کمترین قیمت در این ناحیه و همچنین نزدیک‌ترین خط به قیمت فعلی نیز می‌باشد.

- هرچه به محدوده عرضه نزدیک‌تر باشیم، موقعیت برای فروش و/یا بستن پوزیشن‌های خرید بهتر است.
- و هرچه به محدوده تقاضا نزدیک‌تر باشیم، موقعیت برای خرید و/یا بستن پوزیشن‌های فروش بهتر است.

۱. کندل ERC نباشد (کندل ERC به کندل بلندی گفته می‌شود که بدنه‌ی آن حدود ۸۰ درصد یا بیش از ۸۰ درصدِ کل محدوده‌ی کندل تشکیل بدهد) به عبارتی بدنه‌ی بزرگی نداشته باشد و بعلاوه بدنه‌ی کندل حدود ۵۰ درصد یا کمتر از ۵۰ درصد کل محدوده‌ی کندل باشد به‌گونه‌ای کندل دوجی محسوب نشود.
۲. کندل مارابوزو یا Marubozu یک کندل که فقط بدنه دارد و هیچ سایه‌ای در بالا یا پایین آن وجود ندارد یا آن‌که سایه‌های خیلی خیلی ریز و کوچکی داشته باشد.

ما از الگوهای مقابل برای ترسیم ناحیه بیس استفاده می‌کنیم: الگوی engulfing، الگوی piercing، الگوی harami، ستاره‌های صبح‌گاهی و عصرگاهی و الگوهای مارابوزو. علاوه براین کندل‌های high wave[۳]، کندل‌های با سایه های بلند و کندل‌های failed ERC[۴] برای رسم نواحی تقاضا استفاده نمی‌شوند. ما به یک بیس واضح و یک توقف (pause) قیمت در مارکت نیاز داریم.

به عنوان یک راهنما و یک راهبرد؛ هرچه یک بیس واضح‌تر باشد (یعنی کندل‌های تشکیل‌دهنده بیس سایه‌های زیادی نداشته باشند) آن بیس قدرتمندتر است. ما معمولا دربازار به دنبال حرکات فشرده و تنگ هستیم، به هر حال واقعیت بازار را بیاد داشته باشید این بیشتر یک استثنا محسوب می‌شود و نه یک قاعده کلی.

مهم: *بعضی وقت‌ها نواحی هیچ کندل بیس یا حتی یک کندل ERC نیز ندارند. این بیس‌ها متداول نیستند ولی با وجود این می‌توانند معتبر باشند. ما باید رفتار قیمت را خوانده و به ناحیه امتیاز دهیم (خروج با قدرت ، ریسک به ریوارد ۲:۱ و غیره) واین کار با تحلیل از بالا به پایین برای بررسی قابل ترید بودن سطح انجام میگیرد.*

متاسفانه الگوها و آرایش‌های متفاوتی برای نواحی بیس وجود دارد. این آرایش‌ها بسته به بازاری دارد که در آن معامله میکنید متفاوت است. بین الگوهای کندل‌استیک در بازار فارکس با بازار سهام، شاخص‌ها و کامودیتی‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. قوانینی برای امتیازدهی به نواحی بیس و الگوهای ادامه‌دهنده وجود دارند که در درس‌های دیگر به آن‌ها اشاره شده است. این درس بر روی سه الگوی معروف کندل‌استیک تمرکز میکند که در استراتژی عرضه و تقاضا بسیار کاربرد دارند، این الگوها؛ قله‌ها/دره‌ها و الگوهای ادامه‌دهنده (cp) هستند.

توجه: هنگام رسم بیس‌ها برای نواحی تقاضا سایه‌های بالایی کندل‌ها و برای نواحی عرضه سایه‌های پایینی کندل‌ها را در نظر نمی‌گیریم.

درآینده، وقتی با صرف زمان زیاد تجربه کافی را به دست آوردید، اگر خواستید می‌توانید ناحیه خود را بزرگ‌تر رسم کنید تا مطمئن شوید که فرصت ورود به معامله را از دست نمی‌دهید. اما برای الان باید طبق این قواعد عمل کنید.

مطمئن هستم این دوره اولین دوره‌ای نیست که در رابطه با معامله‌گری با آن مواجه می‌شوید و احتمالاً قبل از آن کتاب‌ها و دوره‌های زیادی را دیده‌اید. باید به این نکته رسیده باشید که واقعیت خیلی شبیه چیزی که در کتاب‌ها به آن اشاره می‌کنند نیست. الگو ها و کندل‌هایی که در کتاب‌ها بسیار آسان و تمیز به نظر میرسند، زمانی که چارت را باز می‌کنید کاملا متفاوت هستند. متاسفانه واقعیت مارکت به گونه‌ای است که کمتر پیش

۳. کندل‌هایی هستند با بدنه‌ی خیلی کوچک و با سایه خیلی بلند (که طول یکی از سایه‌ها حداقل ۳ برابر طول بدنه باشد)، در این نوع کندل قیمت باز و بسته شدن باهم یکی نیست و مقدار کمی با هم تفاوت دارند.

۴. تفاوت این کندل‌ها با کندل‌های ERC این است که با آن‌که بدنه و سایه‌های بلندی دارند اما طول بدنه‌ی آن‌ها کمتر از ۸۰ درصد از کل محدوده‌ی کندل را تشکیل می‌دهد. منظور از کل محدوده‌ی کندل اندازه‌ی کندل با احتساب اندازه سایه‌ها و بدنه‌ی آن است.

می‌آید کندل، الگو و یا در بحث خودمان بیسی به ما بدهد که تمیز باشد و خوب به نظر بیاید. در واقع هیچ‌وقت پیش نمی‌آید. ریزه‌کاری‌های زیادی وجود دارد که باید درنظر گرفته شود پس بهتر است تا با این واقعیت تلخ آشنا شوید.

برای ترسیم یک بیس صحیح لازم است خواندن کندل به کندل رفتار قیمت را بلد باشیم. خوشبختانه الگوهای کندلی معروف کمی وجود دارند که به طور مستمر برای ما موقعیت‌های ترید منحصر به فرد ایجاد کنند. ولی همانطور که اشاره شد، شکل‌ها و اندازه‌های آن‌ها متفاوت است.

در پایین متداول‌ترین الگو های کندلی که ما برای رسم نواحی بیس از آن‌ها استفاده می‌کنیم آورده شده است. این الگوها اندکی در بازار فارکس و سهام متفاوت هستند. لطفا حتما درباره این الگوها مطالعه و تحقیق کنید و تفاوت‌های جزئی آن‌ها را بیاموزید.

یک الگوی کندل‌استیک اگر در جای مناسبی تشکیل نشده باشد، عملا بلااستفاده است. آن جایی از نمودار که الگو کندل‌استیک در آن‌جا شکل گرفته است بسیار مهم است.

- Engulfing (متشکل از دو کندل). کندل دوم در پایین/بالاێِ open یا close کندل ماقبل بسته می‌شود.
- Piercing (متشکل از دو کندل). می‌توان گفت الگوی Piercing درواقع یک Engulfing ناموفق است. قیمت به اندازه چند تیک (یا چند پیپ) نمی‌تواند بالا/پایینِ open یا close کندل ماقبل بسته شود. به نوع نزولی این الگو پوشش ابر سیاه یا dark cloud cover نیز می‌گویند.
- Harami (متشکل از دو کندل). یک کندل صعودی یا نزولی و سپس یک کندل بیس
- Spinning tops (بیش از یک کندل). کندل‌هایی با بدنه ,واقعا کوچک که در آن‌ها سایه‌های بالا و پایین تقریبا باهم برابر هستند.
- Morning stars (صعودی) و Evening stars (نزولی). هر دوی این الگوها از سه کندل تشکیل شده‌اند. ستاره صبحگاهی از یک کندل ERC نزولی، سپس یک کندل بیس (مثلا یک کندل ۵۰ درصد) کوچک و سپس یک کندل ERC صعودی تشکیل شده است.
- Doji (الگوی تک کندلی). کندلی که قیمت باز و بسته شدن آن یکسان است.

اگر قرار بود یک الگو را به عنوان مهم‌ترین الگو انتخاب کنم، الگوی Engulfing صعودی و نزولی را انتخاب می‌کردم، زیرا آن‌ها آجرهای سازنده روند آینده هستند. در درس‌های آینده دراین‌باره بیشتر خواهید آموخت.

ویدئو را ببینید

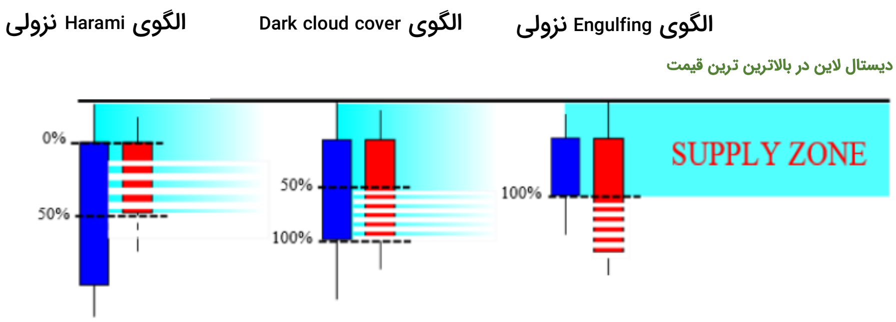
این ویدئوی کوتاه مثالهای خیلی متداول کندلهایی که در عدم تعادلها میتوانید پیدا کنید را نشان میدهد. ویدئو اعتبار عدم تعادل ها را بررسی نمیکند بلکه بر روی ساختار کندلها تمرکز میکند نه بیشتر.

نکته مهم: این نام‌ها توسط من برای این الگوهای کندلی انتخاب نشده است. آن‌ها خیلی وقت پیش توسط کسانی که آن‌ها را از ژاپنی به انگلیسی ترجمه کردند نام گذاری شده است. این که آن‌ها را چه می‌نامید اهمیتی ندارد. آن‌چه که باید بدانیم و به آن توجه کنیم این است که این الگوها بخشی از قله‌ها، دره‌ها، سوییینگ‌های بالا و پایین، توقف‌ها و یا الگوهای ادامه‌دهنده هستند. این‌که آن‌ها را چه بنامید، تاثیری در تصمیم‌گیری‌های معاملاتی شما و فهم شما از قواعد استراتژی نخواهد گذاشت. آنچه لازم است بدانیم این است که با مشاهده این الگوها چه اتفاقی قرار است در این سوییینگها رخ بدهد. مادر من، اگر به نام دیگری صدایش کنم، باز هم مادر من خواهد بود، درمورد این الگوها نیز همین‌گونه است. **درگیر نام‌گذاری الگوها نشوید، تنها چیزی که لازم است بفهمید این است که در دره‌ها، قله‌ها و الگوهای ادامه‌دهنده چه می‌گذرد، شما باید منطق پشت آن را درک کنید.** *اگر توضیحات این الگوها با چیزهایی که قبلا خوانده‌اید متفاوت است لطفا نگران نشوید، اهمیت خاصی ندارد.* انعطاف‌پذیر باشید و سعی کنید منطق پشت این الگوها را بفهمید و از همه مهمتر، به این که در کجای نمودار شکل گرفته‌اند نیز توجه کنید.

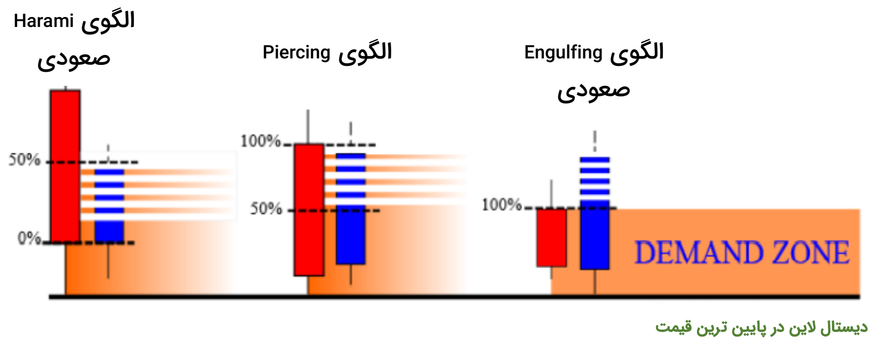
در این درس قرار است بر روی سه الگویی که در بیس‌ها متداول هستند یعنی الگوهای Engulfing، Piercing و Harami تمرکز کنیم.

الگوهای کندل‌استیک در بیس‌ها و نواحی عرضه و تقاضا

الگوهای نزولی در ناحیه عرضه:



الگوهای صعودی در ناحیه تقاضا:



الگوی Engulfing چیست؟

الگوی Engulfing حداقل از دو کندل تشکیل شده است به طوری که کندل دوم کاملا کندل اول را پوشش می‌دهد. کندل دوم پایین/بالایِ open یا close کندل ماقبل بسته می‌شود. بسته به این که کندل دوم صعودی یا نزولی باشد، این الگو می‌تواند به ما سیگنال بازگشت و یا ادامه روند را بدهد.

الگوهای Engulfing مانند دیگر الگو های کندلی حالت‌های مختلفی دارند. در Engulfing صعودی کندل دوم بالاتر از بدنه‌ی کندل قبلش بسته می‌شود و همچنین در Engulfing نزولی کندل دوم پایین‌تر از بدنه‌ی کندل قبلش بسته می‌شود. اگر کندل دوم بجای آن‌که بالاتر از بدنه‌ی کندل قبلش بسته شود، بالاتر از high کندل قبلش بسته شود یا پایین‌تر از low کندل قبلش بسته شود، آن‌گاه الگوی Engulfing به مراتب قدرتمندتر نیز خواهد بود. کندلی که کندل قبل را اینگلف می‌کند، نباید یک کندل ۵۰% باشد.

- ما به حداقل یک کندل در بیس احتیاج داریم. اگر الگوی ما در ناحیه عرضه و تقاضای تایم بالاتر تشکیل شده باشد، احتمال موفقیت بیشتری نیز دارد.
- همانطور که در بالا اشاره شد، به یک کندل ERC احتیاج داریم که بالای بدنه کندل قبل (برای الگوی صعودی) بسته شده باشد. لزومی به اینگلف شدن سایه‌ها نیست ولی اگر اینگلف شوند بهتر است. و دقیقا بر عکس این حالت برای Engulfing نزولی صادق است.
- بیش از یک کندل می‌تواند اینگلف شود. اما حداقل یک کندل قبل باید اینگلف شده باشد.
- اگر که کندل اول تنگ و فشرده (tight) باشد و کندل ۵۰ درصد هم نباشد، آن‌گاه این الگو احتمال موفقیت بیشتری خواهد داشت.
- همان‌طور که قبل‌تر نیز اشاره شد، کندل دوم (کندل اینگلف کننده) بهتر است که یک کندل ERC باشد و یک کندل ۵۰ درصد نباشد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر راجع به الگوهای کندل‌استیک می‌توانید به کتاب‌های آقای استیو نیسون مراجعه نمایید. اما مراقب باشید، ممکن است شکل‌های مختلف این الگوها شما را سردرگم کند، ممکن است در یک سیکل بی‌انتها گرفتار شوید که در تمام قسمت‌های چارت الگوهای تغییر روند را ببینید. ما فقط به تعدادی از این الگوها احتیاج داریم پس سردرگم نشوید. ☺

الگوهای Engulfing در الگوهای ادامه دهنده CPs متداول اند همچنین کندل‌های ماrابوزو (بدنه های tight ، غیر ۵۰% و بدون سایه یا حدودا بدون سایه) نیز این‌گونه هستند.

نحوه‌ی تشخیص الگوی Engulfing بر روی چارت

اجازه دهید الگوی Engulfing صعودی را با یک مثال تشریح کنیم

۱. یک ناحیه بیس پیدا کنید که قیمت از آن‌جا عدم‌تعادل قابل‌قبولی را ساخته باشد.
۲. یک کندل ERC صعودی پیدا کنید که بالای کندل‌های بیس بسته شده باشد.
۳. این کندل صعودی باید بالای کلوز/اپن (بدنه‌ی کندل) ماقبلش بسته شده باشد.
۴. اگر کندل‌های متعددی با open و close های تقریبا یکسان در ناحیه بیس قرار داشته باشند، آن‌گاه

کندل اینگلف‌کننده بهتر است همه‌ی آن‌ها را پوشانده باشد.

۵. اگر یکی از کندل‌های بیس از نظر اندازه و بلندی با سایر کندل‌های بیس متفاوت بود و بالاتر از بقیه کندل‌های اینگلف‌شده‌ی بیس قرار داشت، آن‌گاه می‌توان از آن کندل صرف نظر کرد و فقط بقیه کندل‌هایی را که هم‌سطح و هم‌اندازه هستند را در نظر گرفت.
۶. پروکسیمال لاین دقیقا بر روی open یا close اولین کندل اینگلف‌شده قرار میگیرد و اگر چنانچه هیچ کندلی فراتر از محدوده‌ی اولین کندل اینگلف‌شده قبل ار آن قرار نداشته باشد می‌توانیم پروکسیمال لاین را از عقب‌تر نیز رسم کنیم.
۷. دیستال لاین را از پایین‌ترین محدوده (the lowest low) الگوی Engulfing رسم می‌کنیم (این‌که چه تعداد کندل در سمت چپ الگو قرار داشته باشند اهمیت ندارد).
۸. کندل اینگلف‌شده می‌تواند یک کندل۵۰ درصد یا یک کندل غیره۵۰ درصد باشد.

زمانی که یک کندل بیس (مثلا یک کندل ۵۰ درصد یا یک کندل مارابوزو) یا یک کندل اینگلف‌کننده که بالاتر/پایین‌تر از high یا low کندل قبلش بسته شده بود (بسته به این که در ناحیه عرضه قرار داشته باشد یا در ناحیه تقاضا)، پیدا کردید، آن‌گاه می‌توانیم پروکسیمال لاین را رسم کنیم. زمانی‌که قیمت ناحیه بیس ما را شکست و بیرون این ناحیه بسته شد، آن‌گاه این کندل جدید دیگر بخشی از آن بیس اولیه درنظر گرفته نخواهد شد زیرا هم‌سطح سایر کندل‌های بیس نمی‌باشد.



در شکل فوق مجموعه‌ای از الگوهای اینگلف را در چارت هفتگی USD/CHF مشاهده می‌کنید.

نحوه‌ی استفاده از الگوهای Engulfing و Piercing

۱. آن‌ها آجرهای سازنده یک روند هستند.
۲. آن‌ها معمولا در انتهای یک روند صعودی و یا نزولی رخ می‌دهند.
۳. الگوهای Engulfing ممکن است ساختار کندلی با مومنتوم باشند. اگر چنین چیزی رخ دهد، روند جدید در حال شکل‌گیری خواهد بود.
۴. الگوهای Engulfing معمولا در نواحی عرضه و تقاضای تایم بالاتر رخ می‌دهد.
۵. این الگوها می‌توانند در flip zone[۵] ها و نواحی عرضه و تقاضا / حمایت و مقاومت‌هایی رخ بدهند که مجددا تست میشوند. الگوهای Engulfing همچنین در الگوهای ادامه‌دهنده نیز زیاد مشاهده می‌شوند. وقتی الگوهای Engulfing را در flip zone ها ببینیم یعنی احتمالاً قیمت آماده‌ی انجام یک اصلاح بزرگ یا حتی یک تغییر روند می‌باشد.
۶. از الگوهای Engulfing نباید در هرجایی از چارت استفاده شود (به‌عبارت‌دیگر این الگوها در هرجایی از چارت که مشاهده شدند قابل اعتنا نیستند). این الگوها درواقع الگوهای برگشتی خوبی هستند و خیلی بهتر است اگر که در نواحی عرضه و تقاضای تایم فریم بالاتر مشاهده شوند.

در زیر کمی الگوهای Piercing را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الگوهای Piercing

این دو الگو (piercing و dark cloud cover) مشابه الگوی Engulfing هستند که پیش‌تر درموردش صحبت کردیم، مهم‌ترین تفاوت آن‌ها این است که کندل جدید هیچ‌گاه بالا یا پایین بدنه کندل قبل بسته نمی‌شود.

پوشش ابر سیاه (dark cloud cover) نیز یک الگوی بازگشتی است. میتوان گفت الگوی Piercing ، درواقع یک Engulfing ناموفق است. قیمت به اندازه چند تیک نمی‌تواند بالا/پایینِ کندل قبل بسته شود. به Piercing نزولی، پوشش ابر سیاه نیز گفته می‌شود.

الگوی Piercing درواقع الگوی بازگشتی‌ای است که در ناحیه تقاضا مشاهده می‌شود درحالی که الگوی dark cloud cover الگوی بازگشتی‌ای است که در ناحیه عرضه ظاهر می‌شود.

The Piercing Pattern = Dark Cloud Cover
• Piercing pattern = demand reversal pattern
• Dark Cloud Cover = supply reversal pattern

۵. هرگاه قیمت از یک ناحیه عرضه عبور کند، در بازگشت آن ناحیه به‌عنوان ناحیه تقاضا عمل می‌کند و همچنین هربار که قیمت یک ناحیه تقاضا را بشکند در برگشت آن ناحیه به عنوان یک ناحیه عرضه در نظر گرفته می‌شود. به این نواحی در اصطلاح flip zone گفته می‌شود.



الگوهای Harami

الگوی Harami زمانی رخ می‌دهد که یک کندل کوچک بلافاصله پس از یک کندل بزرگ شکل بگیرد و بدنه آن به طور کامل در محدوده‌ی بدنه‌ی کندل قبل باشد. الگوهای Harami می‌توانند صعودی یا نزولی باشند و نشانه‌ای برای بازگشت احتمالی روند هستند.



SET & FORGET
Supply and Demand Trading

نزدیک یا دور رسم کردن خطوط پروکسیمال لاین و دیستال لاین از یکدیگر در تعیین بیس

زمان‌هایی وجود دارد که می‌توان خطوط پروکسیمال لاین و دیستال لاین را نسبت به یکدیگر نزدیک‌تر رسم کرد و عرض ناحیه بیس را کوچک‌تر (باریک‌تر) در نظر گرفت، مثل زمانی که فقط یک کندل در بیس وجود دارد (مثلا یک کندل ۵۰ درصد و کوچک) یا زمانی که چند کندل کوچک بدون سایه‌های بلند در بیس وجود داشته باشد.

به یاد داشته باشید تا زمانی که ریسک ثابتی داشته باشید می‌توانید در تریدهای خود نیز انعطاف بیشتری به خرج دهید، به عنوان مثال اگر عرض ناحیه بیس بیش‌تر باشد (ناحیه بیس عریض‌تر باشد) می‌توانید حجم lot کم‌تری را روی آن ترید قرار دهید، و همچنین هرچه عرض ناحیه بیس کم‌تر باشد (ناحیه بیس باریک‌تر باشد) می‌توانید حجم lot بیش‌تری را روی آن ترید قرار دهید. علاوه‌براین به کمک تجربه می‌توان فهمید که چه زمانی بهتر است که خطوط پروکسیمال لاین و دیستال لاین را دورتر از هم‌دیگر رسم کرد و سایه‌های بالایی و پایینی کندل‌های بیس را هم برای تعیین ناحیه در نظر گرفت. تا زمانی‌که در هر ترید از ریسک ثابتی استفاده شود مشکلی پیش نخواهد آمد.

در ادامه چند سناریو مختلف درمورد نحوه‌ی استفاده از این سه الگو برای ترسیم محدوده‌های بیس را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای هر الگو تنها دو سناریو وجود دارد. به خاطر داشته باشید که بیس‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلفی رخ دهند، اما هر بیس باید حداکثر از ۶ کندل تشکیل شده باشد، بیس می‌تواند شامل سایه‌های کوتاه‌تر/بلندترِ کندل‌ها باشد و و این‌که چند الگوی کندل‌استیک نیز در آن مشاهده شود. هر بیس با بیس‌های دیگر متفاوت است و به همین دلیل باید در مواجه با هر بیس برخوردی مستقل از سایر بیس‌ها داشت.

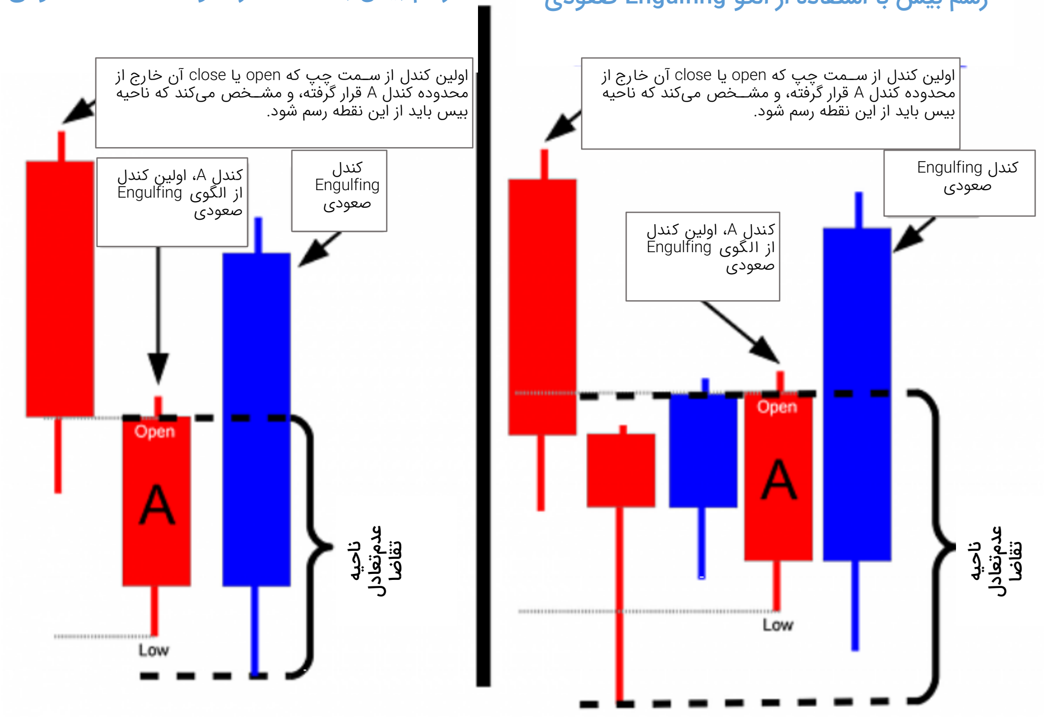
الگوی Engulfing

سناریو B

رسم بیس با استفاده از الگو Engulfing صعودی

سناریو A

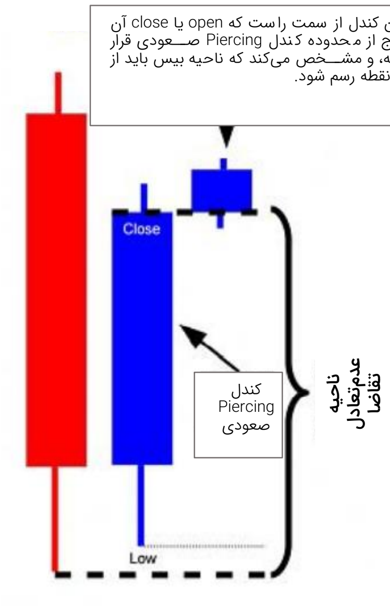
رسم بیس با استفاده از الگو Engulfing صعودی



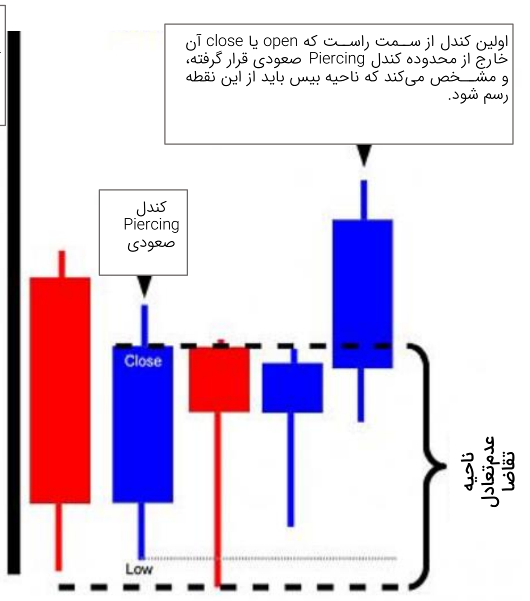
SET & FORGET
Supply and Demand Trading

الگوی Piercing

سناریو A
رسم بیس با استفاده از الگو Piercing صعودی

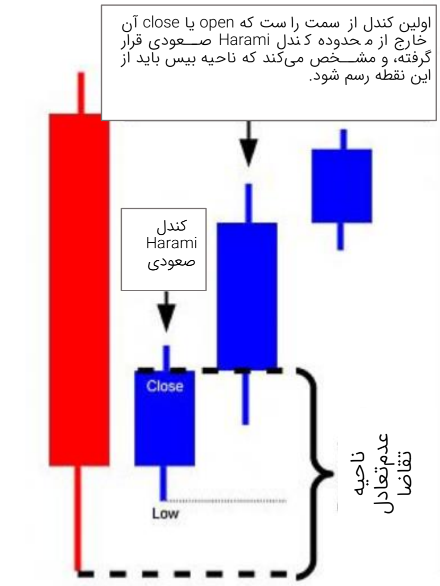


سناریو B
رسم بیس با استفاده از الگو Piercing صعودی

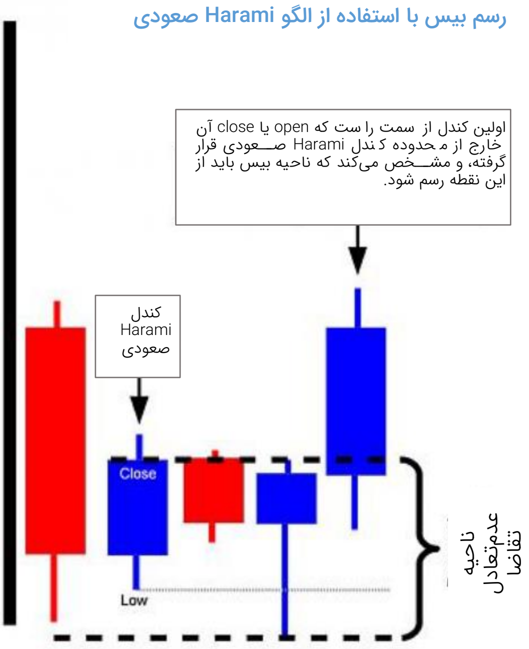


الگوی Harami

سناریو A
رسم بیس با استفاده از الگو Harami صعودی



سناریو B
رسم بیس با استفاده از الگو Harami صعودی



نحوه رسم ناحیه بیس زمانی‌که فقط یک کندل در بیس وجود دارد.

زمانی که در بیس تنها یک کندل داریم، به دو طریق می‌توانیم ناحیه بیس را رسم نماییم:

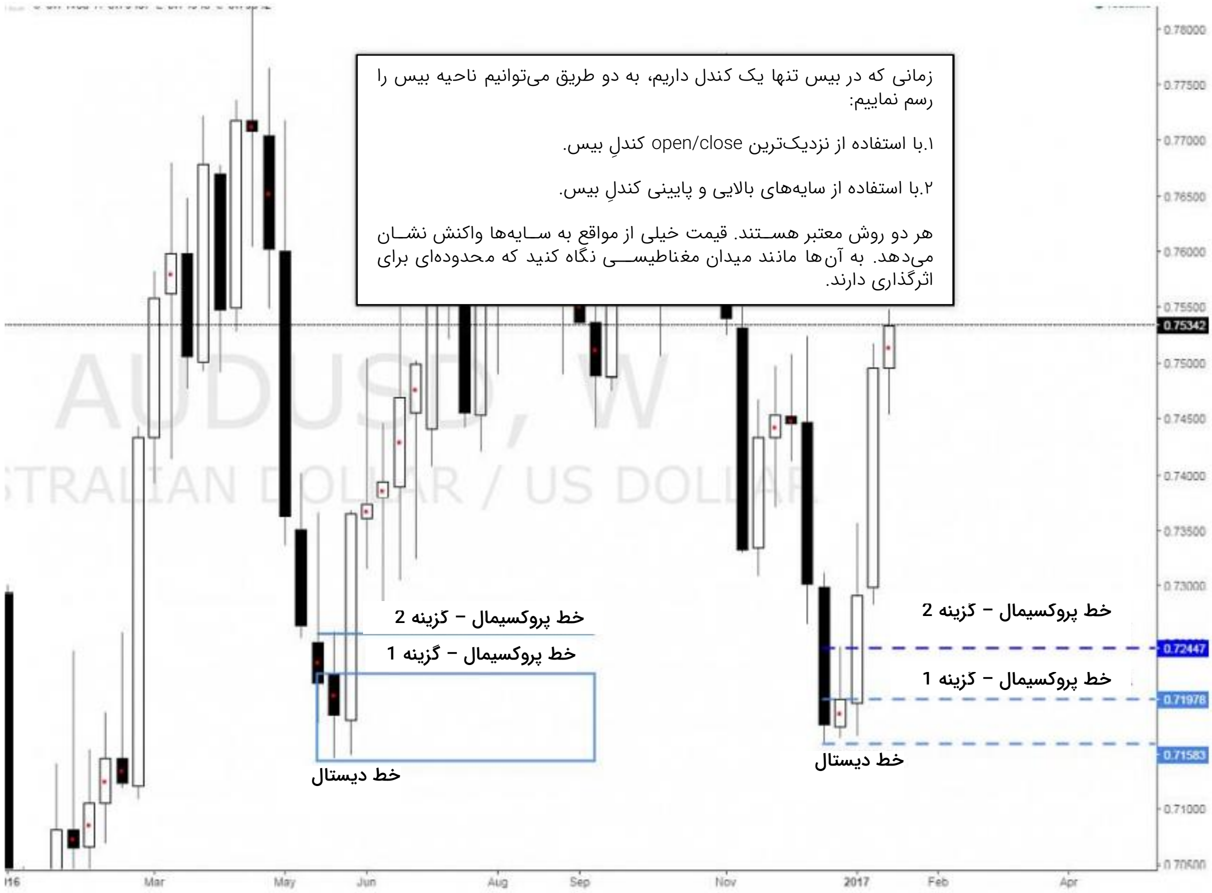
۱. با استفاده از نزدیک‌ترین close/open کندل بیس.
۲. با استفاده از سایه‌های بالایی و پایینی کندل بیس. از این حالت تنها زمانی می‌توان استفاده کرد که کندل بیس، یک کندل خیلی بزرگ و یا یک کندل failed ERC نباشد.

هر دو روش معتبر هستند. قیمت خیلی از مواقع به سایه‌ها واکنش نشان می‌دهد. به آن‌ها مانند میدان مغناطیسی نگاه کنید که محدوده‌ای برای اثرگذاری دارند.

انعطاف‌پذیر باشید. تجربه و زمان صرف کردن پای چارت به شما خواهد آموخت که از کدام روش استفاده کنید و یا این‌که یک روش را انتخاب کنید و همیشه برای رسم بیس‌های تک کندلی از همان روش استفاده کنید. به یاد داشته باشید که عریض‌تر رسم کردن ناحیه بیس روی نسبت ریسک به ریوارد و همچنین حاشیه سودِ معامله‌هایی که قصد دارید در این مناطق انجام دهید، تاثیر خواهد گذاشت.

این قانون‌ها برای حالت‌هایی که بیش از یک کندل در بیس وجود داشته باشد نیز صادق است. اگرچه که بدنه کندل‌ها باید تنگ و فشرده (tight) باشد و سایه‌های بالایی و پایینی آن‌ها نیز نباید خیلی بلند باشد، و همواره باید از کندل‌های failed ERC نیز پرهیز نمایید.

کمترین نسبت ریسک به ریوارد از خط پروکسیمالِ ناحیه اندازه‌گیری می‌شود. همانطور که اشاره شد اگر محدوده بیس فقط از یک کندل تشکیل شده باشد، آن‌گاه اجازه داریم که برای رسم ناحیه سایه‌های بالایی و پایینی آن کندل را درنظر بگیریم، در این حالت ریسک به ریوارد ۲:۱ عدم‌تعادل از بالاترین open/close در ناحیه تقاضا و همچنین از پایین‌ترین open/close در ناحیه عرضه اندازه‌گیری میشود. در مثال زیر (چارت هفتگی AUD/USD) نسبت ریسک به ریوارد از خط پروکسیمال در گزینه ۱ اندازه‌گیری شده است، همچنین می‌توان ناحیه را عریض‌تر رسم کرد و سایه بالایی را نیز در نظر گرفت. (خط پروکسیمال در گزینه ۲)


زمانی که در بیس تنها یک کندل داریم، به دو طریق می‌توانیم ناحیه بیس را رسم نماییم:
۱.با استفاده از نزدیک‌ترین open/close کندلِ بیس.
۲.با استفاده از سایه‌های بالایی و پایینی کندلِ بیس.
هر دو روش معتبر هستند. قیمت خیلی از مواقع به سایه‌ها واکنش نشان می‌دهد. به آن‌ها مانند میدان مغناطیسی نگاه کنید که محدوده‌ای برای اثرگذاری دارند.
خط پروکسیمال – گزینه 2
خط پروکسیمال – گزینه 1
خط دیستال
خط پروکسیمال – گزینه 2
خط پروکسیمال – گزینه 1
خط دیستال
AUDUSD, W
0.75342
0.72447
0.71978
0.71583
Mar
May
Jun
Aug
Sep
Nov
2017
Feb
Apr